

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

سبک‌شناسی در اشعار محمدعلی اسلامی ندوشن

(ص ۱۰۷-۱۲۴)

مه‌ری نصیری^۲، حسین خسروی^۳ (نویسنده مسئول)، اصغر رضاپوریان^۴

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: دی ۱۳۹۸

چکیده

با مطالعه و بررسی آثار نویسندگان و شاعران، متوجه میشویم که هر نویسنده و شاعر برای بیان اندیشه، احساسات و عواطف خود، از روش خاصی استفاده میکند که در اصطلاح ادبی به آن روش، سبک یک شاعر یا نویسنده گویند. سبک یک شاعر یا نویسنده، برگرفته است از تمام مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هر آنچه در جامعه آن شاعر یا نویسنده رخ میدهد. سبک آثار بزرگان ادب فارسی، از دیرباز تا دوره معاصر، مورد بررسی قرار گرفته است. در دوره معاصر، با توجه به اوضاع نامساعد جامعه و تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی، سبک شاعران و نویسندگان، به شیوه جدیدی در آثار آنان، شکل گرفت. محمدعلی اسلامی ندوشن، یکی از شاعران معاصر است که با شیوه نوینی به سرودن شعر پرداخت. این مقاله به بررسی سبک‌شناسی در شعر محمدعلی اسلامی، شاعر و نویسنده معاصر میپردازد و مجموعه اشعار او را که محتوا و مضمونی نو دارند، اما به شیوه کلاسیک، سروده شده‌اند، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری تحلیل میکند. تحلیل و بررسی سبک‌شناسی اشعار اسلامی نه تنها زیباییهای هنری، زبانی و عقاید فکری شاعر را آشکار میکند، بلکه سبب شناساندن بخشی از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران میشود. در این مقاله پس از معرفی اسلامی ندوشن و آثار منظوم او، با سبک اشعار او آشنا میشویم و متوجه خواهیم شد، که او با تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه، اشعاری با موضوعات گوناگون و مضامین تازه و با سبکی جدید سروده، که بیشترین موضوع آنها، گذر عمر است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، سبک شعر معاصر، اسلامی ندوشن، تحلیل

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

^۲ - دانا شجوی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (nasirimehri@yahoo.com)

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (h_khosravi2327@yahoo.com)

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (rezaporian@gmail.com)

Stylistics in Mohammad Ali Islami Nodoushan Poems
Mehri Nasiri,¹ Hossein Khosravi²(corresponding Author), Asghar
Rezapourian³

Abstract

By studying and studying the works of writers and poets, we find that each writer and poet uses a particular way of expressing his or her thoughts, feelings, and emotions in what is literally the style of a poet or writer. The style of a poet or writer is taken from all the political, social, economic issues and everything that happens in that poet or writer community. The style of the works of the Persian literary elders has been studied from late to modern times. In the contemporary era, due to the unfavorable conditions of society and political and social changes, the style of poets and writers was shaped in a new way in their works. Mohammad Ali Islami Nodoushan is one of the contemporary poets who wrote poetry in a new way. This essay examines the stylistics of contemporary poet, poet and writer Mohammad Ali Islamic poetry, and analyzes his collection of poems that have a new content and theme but are written in a classical way, at three levels: linguistic, literary, and intellectual. Analyzing the style of Islamic poetry not only reveals the poet's artistic, linguistic and intellectual beauties, but also reveals a part of Iranian culture, history and literature. In this essay, after noting the Islamic references and his poetic works, we become familiar with the style of his poems and find that he is influenced by the political, cultural, and social conditions of society, with new themes and new themes, Most of them are life-long.

Keywords: Stylistics, Modern Poetry style, Islami Nodoushan, Analysis

¹ - PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (nasirimehri@yahoo.com)

² - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (h_khosravi2327@yahoo.com)

³ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (rezapourian@gmail.com)

۱- مقدمه

۱-۱- معرفی محمدعلی اسلامی ندوشن

محمدعلی اسلامی ندوشن در سال ۱۳۰۴ (هـ. ش.) در دهی به نام ندوشن از توابع استان یزد، به دنیا آمد. او در کتاب روزها از روستای ندوشن با نام مستعار کبوده یاد میکند: «آفتاب درخشندگی همیشگی داشت و با جلا و سخاوت بی‌انتهایی بر آن ده دور افتاده، تنگ‌روزی و مندرس، با آب نیمه شور، که کبوده نام داشت، میتابید.» (روزها، اسلامی ندوشن، ج ۱: ص ۱۹)

اسلامی ندوشن، تحصیلات ابتدایی و متوسطهٔ اوّل را در ندوشن و یزد و ادامهٔ تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در نهران گذراند. او برای ادامهٔ تحصیلات به اروپا رفت و پس از پنج سال، مدرک دکتری حقوق بین‌الملل گرفت و به ایران بازگشت. اسلامی ندوشن در مدت پنجاه سال بیش از چهل و پنج کتاب و صدها مقاله در باب فرهنگ و تاریخ ایران و ادبیات فارسی نوشت. تأسیس فرهنگسرای فردوسی و انتشار فصلنامهٔ هستی از اقدامات او در زمینهٔ اعتلای فرهنگ و ادب فارسی است.

۱-۲- مجموعه اشعار اسلامی ندوشن

اسلامی ندوشن علاوه بر آثار منشور، سه مجموعه شعر به زبان فارسی سرود که در این مقاله، سبک اشعار او در سه مجموعه شعرش، بررسی میشود.

الف) کتاب مجموعه شعر گناه

کتاب مجموعه شعر گناه در سال ۱۳۲۹ منتشر شد. این مجموعه در ردهٔ اشعار نو قدمایی است. هر چند اسلامی ندوشن از شاعران مشهور نیمهٔ دوم دههٔ بیست، و از شاعران اثرگذار این دوره بوده است، با این حال خود او در سرودن شعر تحت تأثیر فریدون توللی بود. محمدعلی اسلامی ندوشن با تمام تلاش و کوششی که در سرودن شعر انجام داد، شعرش در مجموعه شعر گناه، حالتی تصنعی دارد: «مجموعهٔ گناه در طیف اشعار نو قدمایی جای میگیرد، ولی نه از فخامت و صلابت قدمایی در او آثاری است و نه از شوریدگی رمانتیستهای آن عهد؛ در گناه، این هر دو به گونه‌ای تصنعی جلوه میکند.» (دیدگاهها، مسرت، د: ۵: ۲۵)

قالب شعری بکار رفته در مجموعه شعری گناه، چارپاره یا چندپاره است. حضور سه بن مایهٔ تن ستایی، گناه و وداع، حضور بن مایه‌های دیگر را در سروده‌های آغازین اسلامی ندوشن کمرنگ میکند. با این وجود، در میان شعرهای اسلامی ندوشن، دو ویژگی استواری و اضطراب همواره نمایانگر میشوند: «می‌دود آسیمه‌سر، لرزان و غرآن» (گناه، اسلامی ندوشن: ص ۴۲)

ب) کتاب مجموعه شعر چشمه

مجموعه شعر چشمه در سال ۱۳۳۵ به چاپ رسید. این مجموعه که حدود ۶ سال پس از مجموعه شعر گناه منتشر شد، در مقایسه با اشعار مجموعه شعر گناه، در سطح پایینتری قرار داشت. با این وجود چون محمدعلی اسلامی در رده گروه شاعران پیش‌تاز نو قدمایی قرار دارد، بررسی و تحلیل اشعارش و تعقیب کار شعر و شاعری او در تاریخ شعر نو امری ضروری است باید به این نکته اشاره کرد که بیشتر اشعار مجموعه شعر چشمه، اشعار مجموعه شعر گناه بودند. در مجموعه شعرهای نخستین اسلامی ندوشن، بیشتر تکیه بر حضور فردی مشاهده میشود: «میروم تنها به راه بیکرانه.» (گناه، اسلامی ندوشن: ص ۵۷) در بیشتر شعرهای محمدعلی اسلامی، حضور فردی جایگاه اصلی دارد، با این وجود، از حضور جمعی هم در شعرهای او نشانه‌هایی روشن دیده میشود مانند: «دایه زنده‌دار صبح فرداییم ما.» (چشمه، اسلامی ندوشن: ص ۵۶)

ج) مجموعه شعر بهار در پاییز

کتاب مجموعه شعر بهار در پاییز یا سفینه هفتاد و هفت رباعی در سال ۱۳۸۴ منتشر شد. اسلامی ندوشن که پس از سرودن مجموعه شعر گناه و چشمه از دنیای شعر فاصله گرفته و به نثر روی آورده بود، پس از نیم قرن بار دیگر با شعر پیوند دوباره بست. حاصل این پیوند انتشار مجموعه شعر بهار در پاییز بود. هر چند شاعر در مقدمه رباعیهایش، با نوعی دودلی به شعرگویی خود مینگرد. او سرودن این رباعیها را دلیل بر شاعر بودن خود نمیداند: «با این چند ترانه نباید تصور کرد که شاعری را از سر گرفته‌ام. با یک گل بهار نمیشود.» (دیباچه‌ها، مسرت: صص ۳۳۵-۳۳۴)

۲- سبک‌شناسی اشعار اسلامی ندوشن

در ادب فارسی شیوه‌ای که شاعر یا نویسنده احساسات خود را با آن بروز میدهد، سبک نامیده میشود: «سبک واژه‌ای اصلاً عربی و به معنی گداختن زر و نقره است، ولی ادبای اخیر سبک را به طور مجازی به معنی طرز خاصی از نظم و نثر بکار برده‌اند و تقریباً آن را در برابر استیل اروپاییان قرار داده‌اند.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، ذیل: سبک) محمد علی اسلامی، شاعر و نویسنده معاصر است که با تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خود، با سبک نوینی به سرودن مجموعه اشعارش پرداخت.

۲-۱- آشنایی با ویژگیهای سبکی اشعار محمدعلی اسلامی ندوشن

اشعار محمدعلی اسلامی ندوشن، در سه مجموعه شعری گناه، چشمه و بهار در پاییز جمع‌آوری گردیده است. این سه مجموعه به شیوه کلاسیک در قالب رباعی و چارپاره اما

مضامینی نو سروده شده‌اند: «رباعی هر چه قدیمتر باشد، بیشتر چهار قافیه‌ای است اما رباعیات جدیدتر بیشتر خصیّ است، یعنی مصراع سوم آن قافیه ندارد: (انواع ادبی، شمیسا: ص ۲۹۵)

هر چند در دو مجموعه گناه و چشمه، قالب چارپاره و چندپاره نیز مشاهده میشود اما در کل قالب شعری که اسلامی ندوشن برای سرودن اشعارش در نظر گرفته بود، اغلب رباعی جدید است به ویژه در مجموعه شعر "بهار در پاییز". در ادامه سه ویژگی سبکی بکار رفته در اشعار محمدعلی اسلامی ندوشن بررسی میگردد.

۲-۱-۱- ویژگیهای زبانی

الف) سطح آوایی

آنچه در سطح آوایی زبان سبب زیبایی اشعار محمدعلی اسلامی شده، موسیقی شعر است. موسیقی شعر را خیلی گذرا میتوان به چهار نوع تقسیم کرد:

۱- **موسیقی بیرونی:** قسمتی از موسیقی بیرونی شعر را وزن عروضی شعر تشکیل میدهد که بر همه شعرهایی که در یک وزن سروده شده‌اند قابل تطبیق است. وزن شعر، علاوه بر ایجاد تخیل و سازمان بخشی به سخن، سبب برانگیخته شدن احساسات و عواطف نیز میگردد. اسلامی ندوشن، در دو مجموعه شعر گناه و چشمه که بیشتر در قالبهای گوناگون نو و کلاسیک سروده شده‌اند و اغلب اشعار هر دو مجموعه مشترک هستند، از وزنهای متفاوتی استفاده کرده است. اما این شاعر معاصر، در مجموعه شعر بهار در پاییز که در قالب رباعی سروده شده، از وزن ثابت "مفعول، مفاعیل، مفاعیل، فعل" استفاده کرده و هر ۷۲ رباعی را با همین وزن به اتمام رسانده است.

۲- **موسیقی کناری:** منظور از موسیقی کناری، جلوه‌های موسیقایی حاصل از تکرار واژه‌های شعری در پایان یک بیت است. این نوع موسیقی دارای جلوه‌های فراوانی است که آشکارترین نمونه آن، قافیه و ردیف است.

۳- **موسیقی درونی:** با توجه به اینکه اساس موسیقی بر تنوع و تکرار استوار است، هر کدام از جلوه‌های تنوع و تکرار که در نظام آواها از مقوله موسیقی بیرونی و کناری نباشند، در حوزه موسیقی درونی قرار میگیرند.

۴- **موسیقی معنوی:** در حوزه آواهای زبان، تضادها و تقارن‌ها و تشابه‌ها، موسیقی اصوات را بوجود می‌آورند. با کمی دقت متوجه میشویم که همین تقارن‌ها و تشابه‌ها و تضادها در حوزه امور معنایی و ذهنی نیز موسیقی معنوی را سامان میبخشند. بنابراین با توجه به همین توضیح، بخشی از صنایع معنوی بدیع از قبیل تضاد و طباق و ایهام و مراعات نظیر را

میتوان از معروفترین موسیقی معنوی نامید که نمونه‌های گوناگون آن در شعر اسلامی ندوشن دیده میشود.

ب) سطح واژگانی

برخی نوآوریها در شعر محمدعلی اسلامی ندوشن

۱- ترکیب‌سازیهای تازه

یکی از شگردهای محمدعلی اسلامی، به کار بردن ترکیبات نو در شعر کلاسیک است، با وجود این که رباعی قالب شعری کلاسیک است اما در اشعار اسلامی ندوشن ترکیبهای نو مانند: رهپوی، روند و آیند (رفتن و آمدن)، نادلبنده، کودک گول، برهمزن، روزان، کتاب‌سوزان، بهارانه، اکبیر، گهرآگین، ناله‌وار، و ... یافت میشود که سبب زیبایی شعر او گردیده است. مثال:

زین سوی جهان گهی بدان سوی شدیم در رهگذر امید رهپوی شدیم
سرگشته از این کوی بدان کوی شدیم دلخوش به خیال اوی بی اوی شدیم
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۶۱)

افسوس که از سوختگی خام شدیم اندر طمع شکار در دام شدیم
چون کودک گول بر لب بام شدیم تا افتادیم و بی‌سرازجام شدیم
(همان: ص ۷۹)

۲- کاربرد تاریخی واژه به شیوه نو: آشنایی اسلامی ندوشن با ادبیات کلاسیک و نو، سبب گردیده که او واژه‌های تاریخی مانند: گزمه، استان، استاده، میندانم، بشد (برفت)، فتادم، کنون، گشادم، نهادم، شدیم (رفتیم)، کهنه کفش (ترکیب وصفی مقلوب)، فزود، بدان (به آن)، کاو (که او)، اندر، زان رو، افراپی، خایی (جویدن)، کهنه سرای، شدیم (رفتیم)، بخفت، نز (نه از)، کاین (که این)، زان (از آن)، انده، ناسودگی، ار، هلا، فزود، دهر، خرام، گمشده فردوس، بشکوه، بگسست، بادا، زادا، دادا، اندر، فراشتیم، هشتیم و ... را با روشی نو در شعر امروزی بکار برد و از ترکیب این دو، سبک جدیدی بوجود آورد. مانند مثالهای زیر:

نازیم به عدل مرگ که افزون بادا کاو یکسان برد خسرو و فرهادا
هر چند که خلق نابرابر زادا از وصلت خویش برابر دادا
(بهار در پاییز، محمدعلی اسلامی: ص ۱۵۱)

دستی به طلب فراشتیم و رفتیم خطی به هوس نگاشیم و رفتیم
هشتیم هر آنچه داشتیم و رفتیم سر بر سر هم گذاشتیم و رفتیم
(همان: ص ۱۶۵)

۳- ترکیبات نمادین پرتکرار: محمدعلی اسلامی با روشی جدید، ترکیباتی مانند: دخت پیروار، سرو دلارا، سرو دلفروز، سرو آزاد، شام آبستن، سایه زلف، جان جهان، سیمرغ وجود، صنم راهگشا، فرّهما، فرّ جوانی، گیسوی امید، همسایه حسرت، همخانه آز، مجمر مهر و... را به شکل نمادین و گاهی استعاره گونه در اشعارش بکار برده است. چند مثال برای این ترکیبات:

آبی طلبم سبوی بر دوش توام	رازی شنوم حلقه در گوش توام
من گرد جهان جان جهان میجویم	زان معتکف حریم آغوش توام
	(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۷)
آن جان جهان که میرود دست به دست	جویند او را ولی ندانند چه هست
سیمرغ وجود است و پیام آور هست	بر کوه نشیند نه بر آبخور پست
	(همان: ص ۳۹)

۲-۱-۲- ویژگیهای ادبی:

الف) بدیع

بدیع در لغت به معنی هر چیز تازه و نوظهور است و در اصطلاح بدیع عبارت است از: «آرایش سخن فصیح بلیغ، خواه نظم باشد و خواه نثر.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۹)

علم بدیع در حقیقت به کلام طراوت و تازگی میبخشد و زیبایی سخن را به اوج میرساند: «بدیع مجموعه شگردهایی یا بحث/ز فنونی است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی میکند یا کلام ادبی را به سطح والاتری/ز ادبی بودن یا سبک ادبی داشتن تعالی میبخشد.» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: صص ۲۱-۲۲)

آنچه سبب زیبایی سخن و نغز گفتاری میشود و کلام را آرایش میدهد، در حوزه علم بدیع قرار میگیرد و باید گفت: «اموری را که موجب زینت و آرایش کلام بلیغ میشود، محسنات و صنایع بدیع مینامند، مانند: جناس و سجع و ترصیع و امثال آن.» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۹)

با توضیح مختصری در مورد بدیع، این نتیجه حاصل میشود که محمدعلی اسلامی، برای زیبایی اشعار خود از آرایه‌های فراوانی استفاده کرده است که پرکاربردترین آنها در بخش بدیع، همراه با مثال در ذیل ذکر میگردد.

جناس: جناس یا روش تجنیس یکی از روشهایی است که در سطح کلمه‌ها یا جمله‌ها، هماهنگی و موسیقی بوجود میآورد. محمدعلی اسلامی از این روش برای افزایش موسیقی در کلام و زیبایی شعرش، بیشتر از انواع جناسهای ناهمسان استفاده کرده و با واژه‌های متجانس، اینگونه شعر خود را به تصویر کشیده است:

آن روز کجاست کایدم کام از تو؟
 وانگاه شکار از من و دام از تو
 بینم که شراب از من و جام از تو
 افتادن طشت با من و بام از تو
 (بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۹)

آن جان جهان که میرود دست به دست
 سیمرغ وجود است و پیام آور هست
 جویند او را ولی ندانند چه هست
 بر کوه نشیند نه بر آبخور پست
 (همان: ص ۳۹)

واج‌آرایی: در بیشتر اشعار اسلامی ندوشن، تکرار واجها سبب گردیده که موسیقی‌ای در اشعارش بوجود بیاید که تأثیرگذاری شعر را افزایش دهد. مانند تکرار واج ش در رباعی زیر:

دستی به طلب فراشتیم و رفتیم
 هشتیم هر آن چه داشتیم و رفتیم
 خطی به هوس نگاشتیم و رفتیم
 سر بر سر هم گذاشتیم و رفتیم
 (بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۶۵)

تکرار یا واژه‌آرایی: گاهی آرایه‌واج‌آرایی از تکرار واجها فراتر میرود و به برای برجسته کردن مطلبی در شعر، واژه یا عبارتی را تکرار میکند که به آن واژه‌آرایی می‌گویند. اسلامی ندوشن، برای افزایش زیبایی موسیقی در شعرش از این روش استفاده کرده است. مانند:

از مرگ خطا مبین که گر مرگ نبود
 نه صولت حسن بود و نه دولت عشق
 بر شاخ درخت عمر یک برگ نبود
 آرایش باغ و زیب گلبرگ نبود
 (بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۵۳)

نمونه دیگر از آرایه‌واج‌آرایی و تکرار در کنار هم که سبب دل‌انگیزی شعر شده است:

گویی خبری هست بلی یک خبر است
 گوید که طلیعه ورود سحر است
 آن یک خبر از هزار پر بارت‌تر است
 او در راه است گر چه ره پر خطر است
 (همان: ص ۹۵)

تضاد: کاربرد گسترده تضاد و همراهی کردن این آرایه با آرایه‌های دیگر، مانند واج‌آرایی، تکرار، تشبیه و استعاره، سبب گردیده که این آرایه به شکل جدیدی خود را در اشعار اسلامی ندوشن، آشکار کند و به شعرهای او جلوه‌ای تازه ببخشد. مانند:

آن دخت پری‌وار که ایران من است
 هم نیست ولی نهفته در جان من است
 پیدا و پنهان بر سر پیمان من است
 هم هست ولی دور ز دامان من است
 (بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۵)

مراعات نظیر: وجود آرایه‌مراعات نظیر در شعر سبب می‌گردد که ذهن به تکاپو بیفتد و به جستجوی همزاد پردازد. یافتن هر نوع تناسبی به شرط آگاهی میتواند یادآور این همزاد

باشد. محمدعلی اسلامی در شعر زیر با استفاده از واژه‌های ابر و باران و باراند، به وسیله آرایه مراعات نظیر تصویری زیبا در شعر بوجود آورده است:

آبی است که تشنگی فرو نشاند ابری است که باران سیه باراند
سیلی است که ره سوی ویرانه برد داننده نداند به چه نامش خواند
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۶۹)

اسلامی ندوشن با استفاده از سه واژه سرخ و سیه و آبی شبکه‌ای زیبا از مراعات نظیر در شعر ایجاد کرده است:

نآمدہ را ز آمدن نیست خبر از آمدگان پرس هلا چیست خبر؟
گوید چو به غیر تشنه کامان کس نیست نه سرخ و سیه، برنگ آبیست خبر
(همان: ص ۱۱۱)

تناسب: هر گاه بین واژه‌های مراعات نظیر، ارتباط معنایی وجود داشته باشد، به آن تناسب گویند. مانند:

آبی طلیم سبوی بر دوش توام رازی شنوم حلقه در گوش توام
من گرد جهان جان جهان میجویم زان معتکف حریم آغوش توام
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۷)

اسلامی ندوشن گاه با واژه‌های تقابل، تناسب ساخته و شعر را زیباتر کرده است:
بگذشت بهار و مهرگان گشت پدید دیگر با ید ز مهر بگسست امید
اکنون که در خت عمر لرزید چو بید باری بشنو نصیحت از موی سپید
(همان: ص ۱۴۱)

تلمیح: آگاهی گسترده محمدعلی اسلامی از داستانهای کهن ایرانی و آیات و احادیث قرآنی موجب گردیده که او در اشعارش از آرایه تلمیح استفاده کند. تلمیح: «وسیله‌ای است برای تقویت احساس یا اندیشه شاعر یا نویسنده با استفاده از احساس یا اندیشه مطرح شده در اثر واقع‌های دیگر.» (درباره شعر، راکعی: ص ۷۶)

اسلامی ندوشن با استفاده از آرایه تلمیح، بعضی از آیات قرآن و داستانهای ایرانی را یادآوری مینماید. او در شعر زیر با آوردن واژه الست، آیه ۱۷۲ از سوره اعراف را یادآوری مینماید:

آیند و گیرند و حکم گیرند به دست کاین دور بکام ماست از روز الست
لیکن چو به ذیل عزل یابند نشست چون زاغ پلشت گردد آن بلبل مست
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۹۱)

وجود اسم خسرو و فرهاد، در شعر زیر داستانهای عاشقانه ایرانی را یادآوری میکند:
نازیم به عدل مرگ که افزون بادا کاو یکسان برد خسرو و فرهادا

هر چند که خلق نابرابر زادا از وصلت خویش برابر دادا
(همان: ص ۱۵۱)

تناقض (پارادوکس): اسلامی ندوشن برای زیبایی شعر خود به ندرت از تناقض استفاده کرده است:

ایران به نهاد خود معما دارد بس معرکه نهان و پیدا دارد
هم کوه یخ است و نیز هم شعله تاک آتشکده ای درون دریا دارد
(همان: ص ۱۷)

تشخیص: وجود آرایه تشخیص در شعر اسلامی ندوشن سبب تخیلی شدن شعر او گردیده است. مانند:

میروم تنها به راه بی‌کرانه دل نهاده بر پیام باد بیمار
در هوای چشمه‌ای رقصنده چون مار بر امید چشمه‌ای رقصنده چون مار
(گناه، اسلامی ندوشن: ص ۵۸)

هر کس که در این زمانه آبی دارد دانست که هر آب سرایی دارد
ایران که به زلف خود تابی دارد خود را به هزار اضطرایی دارد
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۱)

حسن تعلیل: به آوردن دلیلی غیر واقعی اما زیبا در شعر که مبتنی بر تشبیه باشد حسن تعلیل گویند. یکی از کم‌کاربردترین آرایه در شعر اسلامی ندوشن، حسن تعلیل است:

آبی طلبم سبوی بر دوش توام رازی شنوم حلقه در گوش توام
من گرد جهان جان جهان میجویم زان معتکف حریم آغوش توام
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۷)

ب) بیان

بخش دیگری از آرایه‌های ادبی، بخش بیان است. البته باید گفت بخش بیان، جوهره ادبیات را تشکیل می‌دهد و در آشکار کردن معانی و مفاهیم بسیار مفید است: «برخی از مباحث مهم بدیع معنوی را جدا کرده، در نظام مستقلی به نام بیان بررسی میکنند. بیان ادای معنای واحد به طرق مختلف بحث در تشبیه استعاره و مجاز و کنایه... است که جزو ذات ادبیات محسوب میشوند، برای آرایش کلام نیستند و اطلاق صنعت بر آنها صحیح نیست.» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۲۶)

چون کلام ادبی با دو بخش بدیع و بیان عجین شده، خواه برای زیبایی و خواه برای درک و فهم مفهوم اشعار. در ذیل پرکاربردترین آرایه‌های بخش بیان در اشعار محمدعلی اسلامی، همراه با مثال تحلیل می‌گردد.

تشبیه: راز زیبایی تشبیه در همانندیهای پیش‌بینی نشده‌ایست که برای انسان کشف میکنند. اسلامی ندوشن، در تشبیهاتش بیشتر از مشبه مفرد و مشبه‌به‌های ترکیبی که گاهی اوقات با آوردن تضادها و متناقض‌نماها همراه است، استفاده کرده و همین امر بر زیبایی شعر او افزوده است. یکی از کلمه‌های کلیدی اشعار اسلامی ندوشن واژهٔ ایران است که با تشبیهات و استعارات گوناگون با جلوهٔ ویژه‌ای در اشعارش نمایان میشود:

آن دخت پری‌وار که ایران من است پیدا و پنهان بر سر پیمان من است
هم نیست ولی نهفته در جان من است هم هست ولی دور ز دامن من است
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۵)

محمدعلی اسلامی در رباعی زیر با آوردن مشبه مفرد و مشبه به ترکیبی با روشی هنرمندانه به توصیف ایران پرداخته است:

ایران به نهاد خود معما دارد بس معركةٔ نهان و پیدا دارد
هم کوه یخ است و نیز هم شعلهٔ تاک آتشکده‌ای درون دریا دارد
(همان: ص ۱۷)

استعاره: استعاره از درون تشبیه بلیغ که رساترین نوع تشبیه است برمیخیزد. به همین دلیل استعاره از تشبیه رساتر و خیال‌انگیزتر و در برانگیختن عواطف و احساسات، مؤثرتر است. محمدعلی اسلامی در بیشتر اشعارش با واژه‌های ترکیبی پر معنا به خلق آرایهٔ استعاره پرداخته است. او در رباعیهای فراوان، ترکیبات جالبی مانند: سرو دلارا، سرو دلفروز، سرو آزاد، جان جهان و... را به عنوان واژه‌هایی که دلالت بر استعاره از ایران دارند، بکار برده است:

گفتیم و شنیدیم و خبر هیچ نبود وین عمر بسر رسید در گفت و شنود
وان گفت و شنود ره به جایی نگشود چون آن صنم راهگشا رخ نمود
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۵۵)

آن سرو دلفروز که یکتا باشد با عمر هزار ساله بر پا باشد
هر روز در انتظار فردا باشد تا آید آنکه عالم آرا باشد
(همان: ص ۴۵)

میروم تنها به راه بی‌کرانه دل نهاده بر پیام باد بیمار
در هوای چشمه‌ای رقصنده چون اشک بر امید چشمه‌ای رقصنده چون مار
(گناه، اسلامی ندوشن: ص ۵۸)

کنایه: آرایهٔ کنایه علاوه بر این که پوشیده سخن گفتن است در امری، از طریق استدلال موجب دریافت معنی میشود. در حقیقت، کنایه ادعای خود را با دلیل بیان میکند و از این رو مخاطب بدون توانایی برای انکار این امر، فوری آن را میپذیرد: «کنایه یکی از صورخیال در ادب و شعر هر زبانی است و از دیر باز اهل ادب و منتقدان به اهمیت کنایه و

میزان تأثیر آن در اسلوب بیان توجه داشته‌اند.» (صوّرخیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی، ص ۱۳۹)

اسلامی ندوشن، عبارت کنایی حلقه در گوش بودن، طشت از بام/ افتادن را به شیوه ذیل در اشعارش اینگونه بکار برده است:

آبی طلبیم سبوی بر دوش توام
من گرد جهان جان جهان میجویم
رازی شنوم حلقه در گوش توام
زان معتکف حریم آغوش توام
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۷)

آن روز کجاست کایدم کام از تو؟
وانگاه شکار از من و دام از تو
بینم که شراب از من و جام از تو
افتادن طشت با من و بام از تو
(همان: ص ۲۹)

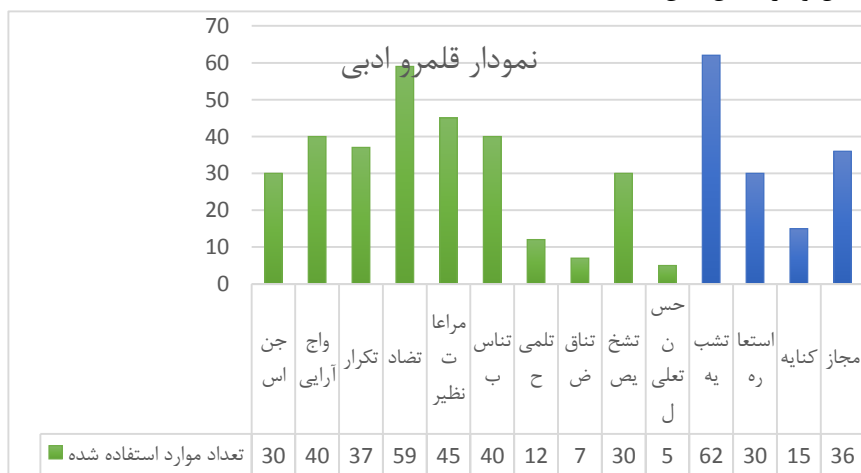
مجاز: از آن رو که الفاظ محدود و معانی نامحدودند، آرایه مجاز در زبان پدید می‌آید که شرط اصلی آن، وجود علاقه و قرینه است. نمونه‌ای از مجاز در شعر اسلامی ندوشن که سر تا به قدم را مجاز همه وجود گرفته:

سر تا قدم رنگ و نگاری جانا
آن گوهر یکدانه که من میطلبیم
من پاییزم تو نو بهاری جانا
دانم داری، نگو نداری جانا
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۲۵)

محمدعلی اسلامی در بیشتر اشعارش، مجاز را استعاره گونه بکار برده است. مانند:

آن سرو دلفروز که یکتا باشد
هر روز در انتظار فردا باشد
با عمر هزار ساله بر پا باشد
تا آید آنکه عالم آرا باشد
(همان: ص ۴۵)

با بررسی ادبی در اشعار اسلامی ندوشن، این نتیجه حاصل گردید که شاعر برای تأثیر گذاری و زیبایی شعرش از هر دو فنون ادبی بدیع و بیان استفاده کرده است. آمار ذیل همراه با نمودار، آرایه‌های استفاده شده در اشعار را با ذکر تعداد موارد نشان می‌دهد. همچنین مشخص می‌کند که پر کاربردترین آرایه استفاده شده در اشعار اسلامی ندوشن، در بخش بیان، تشبیه و در بخش بدیع، تضاد است و کمترین آرایه استفاده شده در بخش بدیع، حسن تعلیل و در بخش بیان، کنایه است.



۲-۱-۳- ویژگیهای فکری:

الف) مضمونهای بکار رفته در اشعار محمدعلی اسلامی ندوشن به ترتیب حروف الفبا

۱- امید

واژه امید در بیشتر موارد با واژه نامیدی به صورت عبارت متضاد «امید و ناامیدی» با هم به کار میروند: «اصولا یأس و ناتوان انگاشتن خود در جامعه، به لحاظ روانی، جامعه را بیمار میکند و تردید، انجام هر کاری را کند میگرداند، جامعه آن چنان به زندگی با یأس خوی میگیرد که عنصری جز سرشت وجودی انسان میگردد و این اوضاع مانند سرنوشتی جلوه‌گر میشود.» (نگاهی به نیما، فلکی: ص ۷۶)

تأمل در مجموعه اشعار اسلامی ندوشن، به این مسأله مهم پی برد که او توانسته است در اشعارش از آفاق انسان‌دوستی، فرهنگ ایران را به چشم اندازهای انسانی جدید پیوند دهد و با وجود تمام ناگواریها و تلخکامیهای زندگی، با دلی سرشار از امید به سرودن اشعار امیدوارانه بپردازد و بگوید:

هر باغ که در کنار دریا باشد از زائر تشنه لب پذیرا باشد
این زائر تشنه گر شکیباً باشد زودا که کلید باغ پیدا باشد
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۰۳)

محمدعلی اسلامی، در جای دیگر همه را به امیدواری دعوت میکند و عقیده دارد که اگر امید وجود نداشته باشد، زیباییهای زندگی هم بی‌ارزش خواهند بود. او حتی فصل بهار را هم به امیدواری دعوت میکند و میگوید:

از دور خزان امید برگیر بهار هر چند که بار میوه دارد به کنار
چون باغ نماند میوه آید به چه کار؟ کاین بار چو رفت برنگردد به دو بار
(همان: ص ۱۴۳)

۲- پیری

واژه پیری عبارت است از مرحله‌ای از زندگی، که شخص با مجموعه‌ای از ناتوانیهای جسمی و محرومیت‌های اجتماعی روبرو میشود: «پیری ممکن است به آهستگی یا به سرعت، تدریجی یا ناگهانی فرارسد. به نظر میرسد که بعضی افراد گام به گام به سوی پیری قدم برمیدارند و عده‌ای دیگر یک دفعه در اثر واقعه‌ای ناگوار، خواه واقعی یا خیالی، ناگهان پیر میشوند. پیری صرف نظر از آنکه چگونه فرامیرسد، غیر قابل اجتناب و سرنوشت همگان است.» (روانشناسی رشد، رحمانیان: ص ۶۰۲)

محمدعلی اسلامی نویسنده و شاعر معاصر است که با احساسی لطیف پیری و اثرات آن را با سبکی فاخر در شعرش به شیوه کلاسیک و در قالب رباعی به تصویر کشیده است:

پتیاریه پیری از کران می‌آید لنگان لنگان عصا زنان می‌آید
آن‌گونه که این دشمن جان می‌آید پس مرگ چو یار دلستان می‌آید
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۴۵)

اسلامی ندوشن به همه سفارش میکند که به این جاه و جلالهای زود گذر جوانی ننازید
که خیلی زود پایان مییابند و پیری جای آنها را خواهد گرفت:

گر داهی دهر و میر تدبیر شوی بیهوده به خود مناز چون پیر شوی
چون پیر شوی خواه تا دیر شوی گر دیر شوی بسا که اکبر شوی
(همان: ص ۱۴۷)

۳- سرگشتگی:

اسلامی ندوشن با بیانی ساده و رسا به سرودن اشعار پرداخته، و موضوع سرگشتگی را
اینگونه در اشعارش به کار برده است:

زین سوی جهان گهی بدن سوی شدیم در رهگذر امید رهپوی شدیم
سرگشته از این کوی بدن کوی شدیم دلخوش به خیال اوی بی اوی شدیم
(همان: ص ۶۱)

محمدعلی اسلامی، سرگشته شدن را یک نوع گرفتاری میداند که سبب افزایش حرص و
آز میشود و باید برای رهایی از آن راه چاره‌ای یافت:

سر تا سر جهان اگر پیمایی با این همه سرگشته پا بر جایی
زان روست که بند از را افزایی دندانی کو که بندها را خایی؟
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۷۵)

۴- عشق به وطن:

علاقه شدید به هر موجود و هر پدیده‌ای را عشق گویند: «عشق: ۱- به حد افراط دوست
داشتن. ۲- دوستی مفرط، محبت تام» (فرهنگ فارسی، معین: ذیل عشق)
نویسندگان، شاعران و هر قشری از افراد جامعه، عقیده‌های گوناگونی در مورد عشق
داشته‌اند: «دل‌های بزرگ و احساس‌های بلند، عشق‌های زیبا و پر شکوه می‌آفرینند.» (هبوط در
کویر، شریعتی: ص ۱۵۰)

انسان هر گاه کسی یا چیزی را ببیند که نسبت به او احساس نزدیکی کند، به آن عشق
میورزد: «آدمی وقتی به نیمه خود میرسد، خواه نیمه‌اش زن باشد یا مرد، احساس رقابت،
محبت، دوستی و خویشاوندی میکند، و اگر بتواند، نمیخواهد یک لحظه از نیمه خود جدا
شود. او همه عمر را حاضر است با معشوق بازیافته خود بگذارند. اما اگر سؤال کنی نمیتواند
علت را برای شما بگوید.» (ضیافت، صناعتی: ص ۱۲)

گاه عشق از حالت عشق‌های زمینی فراتر میرود و آن عشقی است که انسان را به معرفت

جمال حق سوق میدهد، و اشتیاق به لقای خدای متعال و معرفت ذات حق را در انسان به وجود می‌آورد: «ای عزیز به خدا رسیدن فرض است، و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند فرض باشد. به نزدیک طالبان، عشق بنده را به خدا رساند، پس عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.» (تمهیدات، عسیران: ص ۹۷)

عشقی که محمدعلی اسلامی در اشعارش بکار برده، عشق به وطن است. برای مثال نمونه‌هایی از آن در زیر ذکر میشود:

پیدا و پنهان بر سر پیمان من است	آن دخت پری‌وار که ایران من است
هم هست ولی دور ز دامان من است	هم نیست ولی نهفته در جان من است
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۵)	
من پاییزم تو نوبهاری جانان	سر تا قدم رنگ و نگاری جانان
دانم داری، نگو نداری جانان	آن گوهر یک‌دانه که من می‌طلبم
(همان: ص ۲۳)	

۵- گذر عمر

عمر انسان که تنها سرمایه اوست، همانند آب روانی است که در سرایشی با تندی میگذرد و با گذشت هر روز، یک روز از سرمایه انسان کم میشود. سعدی شیرازی درباره گذر عمر میگوید:

عمر برف است و آفتاب تموز	اندکی ماند و خواجه عزه هنوز
(گلستان، دیباچه)	

محمدعلی اسلامی، شاعر و نویسنده توانمندی است که به گذر عمر توجه ویژه‌ای نموده، او گاهی گذر عمر را خیلی عادی جلوه میدهد و گاهی هم خیلی افسوس میخورد که عمرش سپری شده و او نتوانسته آن گونه که شایسته عمر بوده است:

گفتیم و شنیدیم و خبر هیچ نبود	وین عمر بسر رسید در گفت و شنود
وان گفت و شنود ره به جایی نگشود	چون آن صنم راهگشا رخ ننمود
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۵۵)	
از خواب و خیال و گفت و واگفت چه سود؟	کاین عمر دو گونه بود چون آتش و دود
گه سوخت چو کهنه کفش و گه سوخت چو عود	گه اشک به کار برد و گه خنده فزود
(همان: ص ۶۳)	

۶- مرگ

سایه پررمز و راز و ابهام آلود مرگ همواره بر سراسر فرهنگ انسانی گسترده شده و ناشناسی و رازناکی ماهیت آن در طول تاریخ اندیشه بشر موجب پیدایش تفکرات و تأملات متناقضی در زمینه مرگ، در عرصه‌های مختلف فکری از جمله در شعر و ادب فارسی گردیده

است. اسلامی ندوشن در اشعارش با دیدی واقع‌گرایانه به پدیده مرگ مینگرد. او مرگ را عادل می‌داند که سایه عدل را یکسان بر سر انسانها می‌افکند و به این چنین مرگ عادل باید نازید:

نازیم به عدل مرگ که افزون بادا کاو یکسان برد خسرو و فرهادا
هر چند که خلق نابرابر زادا از وصلت خویش برابر دادا
(همان: ص ۱۵۱)

گاهی وجود مرگ، نویدبخش زندگی جدیدی است برای دیگران و اگر مرگ نباشد زندگی چیزی کم دارد، و به قول سهراب: «اگر مرگ نبود دست ما در پی چیزی می‌گشت» (هشت کتاب، سپهری: ص ۲۵۷)

اسلامی ندوشن، بودن مرگ را موجب سرسبزی و شادابی باغها می‌داند و خیلی هنرمندانه می‌گوید:

از مرگ خطا مبین که گر مرگ نبود بر شاخ درخت عمر یک برگ نبود
نه صولت حسن بود و نه دولت عشق آرایش باغ و زیب گلبرگ نبود
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۱۵۳)

۷- یاد

یکی از زیباترین دوران زندگی انسان، دوران جوانی است که انسان وقتی پیر شد به یاد این دوران می‌افتد. یاد ایران و یاد روستای ندوشن سبب گردیده است که اسلامی ندوشن بخشی از اشعار خود را به این موضوع اختصاص دهد:

از حاصل عمر رفته جز یاد نماند وان یاد چو شمع بر ره باد نماند
وا نگاه ز باد نیز بنیاد نماند بر جای به غیر سرو آزاد نماند
(بهار در پاییز، اسلامی ندوشن: ص ۴۷)
گر دخمه سهراب نه با آذین است؟ از فرّ جوانیش گهر آگه‌بین است
او زنده به «یاد» است که خاک ستر یاد بر باد نمی‌رود که هستی این است
(همان: ص ۱۱۳)

۳- نتیجه‌گیری

در پایان این مقاله، به جمع‌بندی اجمالی، به عنوان نتیجه‌گیری می‌پردازیم. با مطالعه و بررسی آثار نویسندگان و شاعران، متوجه میشویم که هر نویسنده و شاعر برای بیان اندیشه، احساسات و عواطف خود، از روش خاصی استفاده میکنند که در اصطلاح ادبی به آن روش، سبک یک شاعر یا نویسنده گویند. سبک یک شاعر یا نویسنده، برگرفته است از تمام مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هر آنچه در جامعه آن شاعر یا نویسنده رخ میدهد. سبک آثار بزرگان ادب فارسی، از دیر باز تا دوره معاصر، مورد بررسی قرار گرفته

است. در دوره معاصر، با توجه به اوضاع نامساعد جامعه و تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی، سبک شاعران و نویسندگان، به شیوه جدیدی در آثار آنان، شکل گرفت. محمدعلی اسلامی ندوشن، یکی از شاعران معاصر است که با شیوه نوینی به سرودن شعر پرداخت. در این مقاله به بررسی سبک‌شناسی در شعر محمدعلی اسلامی، شاعر و نویسنده معاصر پرداخته شد و مجموعه اشعار او که محتوا و مضمونی نو دارند، اما به شیوه کلاسیک، سروده شده‌اند، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری تحلیل شد. با تحلیل و بررسی سبک‌شناسی اشعار اسلامی نه تنها زیباییهای هنری، زبانی و عقاید فکری شاعر آشکار شد، بلکه سبب شناساندن بخشی از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران نیز گردید. در این مقاله پس از معرفی اسلامی ندوشن و آثار منظوم او، با سبک اشعار او آشنا شدیم و متوجه گردیدیم، که او با تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه، اشعاری با موضوعات گوناگون و مضامین تازه و با سبکی جدید سروده، که بیشترین موضوع آنها، گذر عمر است.

۴- فهرست منابع

- ۱- ضیافت، افلاطون، پلاتون، (۱۳۸۱)، ترجمه محمود صناعی، تهران: جامی.
- ۲- مجموعه شعر بهار در پاییز، اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۸۸)، تهران: یزدا.
- ۳- روزها (جلد اول)، اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۹۶)، چاپ پنجم، تهران: یزدان.
- ۴- گناه، اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۲۹)، تهران: بی‌نام.
- ۵- چشمه، اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۳۵)، تهران: بی‌نام.
- ۶- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، (۱۳۸۷)، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
- ۷- هشت کتاب، سپهری، سهراب، (۱۳۸۹)، تهران: سرای آرتیمان.
- ۸- گلستان، به تصحیح استادولی، سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۶۸)، چاپ چهارم، تهران: قدیانی.
- ۹- هبوط در کویر، شریعتی، علی، (۱۳۷۷)، چاپ دوازدهم، تهران: چاپخش.
- ۱۰- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، (۱۳۶۶)، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- ۱۱- روان‌شناسی رشد، ترجمه نورالدین رحمانیان، شلدون وایت، لیلانداشتات، نانس بیلی، ژوستین آرونفرید، (۱۳۶۴)، تهران: آگاه.
- ۱۲- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، چاپ چهاردهم، تهران: میترا.
- ۱۳- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، (۱۳۹۰)، چاپ چهارم، تهران: میترا.
- ۱۴- تمهیدات عین القضاة با مقدمه و تصحیح، تحشیه و تعلیق عقیف عسیران، عین القضاة همدانی، عبدالله، (۱۳۷۳)، چاپ چهارم، تهران: منوچهری.
- ۱۵- نگاهی به نیما، فلکی، محمود، (۱۳۷۳)، تهران: اسماعیلیان.
- ۱۶- درباره شعر، ترجمه فاطمه راکعی، لارنس پرین، (۱۳۷۶)، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.

- ۱۷- دیباچه‌ها (برگرفته از کتاب‌های دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن)، مسرت، حسین، (۱۳۹۲)، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۸- دیدگاه‌ها، (دفتر پنجم: کارنامه ادبی)، مسرت، حسین، (۱۳۹۴)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۹- فرهنگ فارسی معین (۶ جلد)، معین، محمد، (۱۳۷۱)، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- ۲۰- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۱)، چاپ هشتم، تهران: هما.